

میزان: نگاه پژوهشگر

# رساله‌ی حجابیه

**سلسله گفتارهایی دربارهٔ مسئله حجاب و بررسی آن از زوایای گوناگون / بخش پایانی**

<span></span>
<b>عمادالدین باقی</b> نویسنده و پژوهشگر حقوق‌بشر
<div>پیش از هر چیز بسیار جای تاسف دارد که ۴۴سال پس از انقلاب ایران، به دست آوردن حقوق و فرصت هایی که پیش از انقلاب بسیار عادی و موجود بود به یک خواسته مهم و برهزرنه بدل شده است. پیش از انقلاب ۵۷ زنان و مردان به استنادیوم می رفتند ولی چند دهه پس از انقلاب، کارزار برای دستیابی به امکان حضور زنان در صندلی تماشایچیان ورزشگاه راه می افتد و اگر کسی موفق شود این حق را استیفا کند به نظر می آید کار بزرگی کرده است. خبر ۵ دختری که ۲۷ اردیبهشت۹۸ه‌ا با گذاشتن ریش مصنوعی و تغییر چهره در کنار بیش از ۱۵ هزار هوادار مرد در شهر جَم بو شهر در استادیوم شرکت کرده بودند و خبر تعدادی از دختران که برای ورود به استادیوم لباس مردانه پوشیده و تغییر چهره داده و شناسایی و بازداشت شدند نمونه ای از آن است. همچنین است اصل حجاب. پیش از انقلاب، زنان معتقد و نامعتقد به حجاب، بدون هیچ سئزیه ای، آزادانه انتخاب می کردند و ارزش انتخاب حجاب به این بود که آن افراد مجبور به حجاب نبودند و همزیستی وجود داشت. و چنین است در حوزه سیاست، هنگامی که وزیر خارجه ایران با وزیر خارجه امریکا در جریان مذاکرات برجام در دوره روحانی دست می دهد یا به زبان انگلیسی حرف می زند یک اتفاق مهم تلقی می شود در حالی که پیش از انقلاب، سفر رئیس جمهور امریکا به ایران هم عادی بود. این روزها بحث درباره حجاب هنوز ادامه دارد. اخبار مجازات برخی از زنان بخاطر کشف حجاب مانده ۲۴ ماه حبس برای زنی که روسری خود را برداشته بود و نیز حبس ۵ ساله دکتر فرهاد میثی، بازداشت جنجالی</div>

**پاره دهم اصناف نه گانه بدون حجاب**

پرهنگی و سکس هژمونیک که پدیده سده اخیر است موضوع بحث ما نیست. این پدیده، با پیشقراولی مارکسیسم در تقدس زدایی از نهاد خانواده، در آورد نظام سرمایه داری است که بر موج غرایز طبیعی بشر سوار شده و آن را بی لجام می خواهد تا فرهنگی متناسب با مصرف انبوه و همه جانبه و بازارهای تازه ایجاد کند. به همین سبب در قسمت های پیشین، دومقوله حجاب اجباری و پرهنگی را تفکیک کردیم. در قسمت های پیشین با استناد به منابع و متون دینی بیان شد اینکه حجاب جزو ضروریات دین باشد محل مناقشه است، اما بر فرض اینکه جزو ضروریات بود هم الزام و اجبارش ناموجه است زیرا وقتی که اصل دین اختیاری است چگونه احکام و فروع آن اجباری می شود؟ برخی احکام برای مؤمنان دین الزامی بوده و ترک آن گناه است نه جرم. مدعیان حجاب اجباری، فرق «گناه شرعی» و «جرم» را هم درک نکرده اند. «جرم» یعنی عملی که موجب جریحه دار شدن وجدان عمومی شود و امری اجتماعی است ولی احکام دین، اموری قلبی و تابع انتخاب فردی اند و گناه و صواب بودنش میان فرد و خدای اوست. بسیار مایه تأسف است که دستگاه های عرض و طویل حکومتی چنان تبلیغات انحرافی می کنند که ما ناگزیر از بیان این بدیهیات می شوم. ظاهر از نظر حاکمان ایران، ۵۲ کشور مسلمان که درباره حجاب مثل اینها عمل نمی کنند اسلامی نیستند! آیا ترکیه و مالزی از همه نامسلمان ترند ولو اینکه مساجدشان خیلی خیلی شلوغ تر از ایران باشند؟ چرا پشت شعار دینی پنهان می شوید. مگر کره شمالی که مدل اجباری موی سر را اعلام کرد ربطی به دین داشت؟شهامت داشته باشید بگویید مثل کره می خواهم این سبک زندگی را با زور تحمیل کنیم.

در قران حجاب به معنی مصطلح امروزی و آنهم برای عامه مردم، نیامده و فقط در آیه ۵۹ سوره احزاب و آیه۳۱سوره نور، از پوشش با روسری (جلباب) و اِخْمار) سخن گفته و در آیه نخست، پس از اشاره به متلک پرن ها و آزارگران در آیه قبل، حجاب را برای زنان پیامبر و زنان مومن توصیه کرده نه اجبار و فلسفه آن را هم ذکر کرده و افزوده است: برای اینکه آنها شناخته شوند تا از تعرض و جسارت هوسرانان آزار نکشند. در این آیه بحثی درباره زنان دیگر نیامده و هیچ مجازاتی هم برای غیر عاملین ذکر نشده است.

با وجود اینکه در قرآن از روسری و شال گفته شده اما برخی با را فراتر نهاده و چادر را حجاب برتر خوانده اند. انگار قرآن کریم نقص داشته و می خواهد جبرانش کنند. با وجود همین آیات، در تاریخ و در فقه، اصناف مختلفی، ممنوع از حجاب و با مَعْفُوّ و معذور بوده یا نسبت به آنان غضض عین شده است.

اجباریون پشت دیوار سستی سنگر گرفته اند، جایی که قرن هاست محل قیل و قال فقیهان است و در صدر اسلام هم حتی یک مورد سراغ نداریم که به حجاب کسی گیر داده باشند. گروه های متعددی در صدر اسلام و

پس از آن، بدون حجاب یا مجاز به رفع حجاب یا حتی ممنوع از حجاب بودند:

۱- زنان پنهاننده یا اسیر شده در جنگ(موسوم به غیر حره که حجاب شان ممنوع بود)، که مجاز به حجاب نبودند.

درباره برخی گروه ها افزون بر اینکه در صدراسلام حجاب نداشته اند روایاتی وجود دارد و فقها نیز براساس آنها درهمه سده ها فتوایی داده اند که موهم جواز است. بعد از باب «یا محل النظر الیه من العرأة یغیر تلذذ و تعمد و ما لا یجب علیها ستره) (آنچه حلال دیدنش است بدون قصد لذت بردن و تعمد و چشم چرانی و آنچه واجب نیست بر او پوشاندنش)، روایاتی آمده که نشان می دهد این زنان حجاب نداشته اند لذاً گفته شده اگر کسی بدون تعمد(قصد تلذذ) نگاه کند اشکالی ندارد (وسایل الشیعه ج۲۰ص ۲۰۰). در روایت، آنها از حجاب ممنوع نشده اند بلکه مردان از نگاه آلوده به آنها منع شده اند.

۲- القواعد من النساء (آیه ۶۰ سوره نور) که اعم است از زنان سالخورده و یازتنسسته که امیدی یا قصدی برای ازدواج ندارند و طبق نص صریح قرآن نه تنها روسری که جواز برداشتن لباس رو(یَصْعَنَ ثِيَابَهُنَّ) را دارند و گفته است اگر عفت را رعایت کنند بهتر است و هیچ ممنوعیت و مجازاتی برای برداشتن حجاب و لباس رو ندارد چون جایز است (و نک: باب حکم القواعد من النساء، وسایل ج۲۰ص ۲۰۲).

۳- پیروان ادیان دیگر که در جامعه اسلامی زیاد بودند. (باب جواز النظر الی شعور نساء أهل الذمة وایدیهن (وسایل ج ۲۰ص ۲۰۵ و ۲۰۶).

۴- مشرکان، چه در دوره پیامبر(ص) چه امام علی(ع) و خلفا و پس از آن.

۵- زنان یابده نشین(چادر نشیان)، عشایر و صحرانشین. «باب جواز النظر الی شعور نساء الاعراب و أهل السواد وکذا المجنونه بغیر تعمد» (وسایل ج ۲۰ص ۲۰۶). این روایات نشان می دهد از گذشته های مانند همین امروز که لباس و حجاب عشایر متفاوت از شهری ها و آزادتر است و نپوشاندن موی سر عادی بوده، به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده بود و بیاناگذران شریعت هم به مضاف آن نرفته اند.

۶- زن غیر عاقل (که موارد ۵ تا ۶ جزو مستثنیات «محرمان نظر» در فقه آمده است).

۷- زنانی که با زاب اضطرار مجازند حجاب شرعی را رعایت نکنند (نمونه آن در رساله استفتانات شرعی

عربی از آیت الله خویی، جلد ۲ صفحه ۱۹۵ و ۱۹۷).

۸- زنان مسلمانی که کاهل در عمل به احکام بودند، نیز حجاب نداشتند.

۹- زنانی که در مشاغل خاصی بودند که شرعا حرام بود اما وجود داشتند و بخاطر حجاب شان مجازات نمی شدند و آزاد بودند.

با وجود گروه های نه گانه زنان بدون حجاب اعم از عَمَض عین شدگان و معفوین از حجاب که تعدادشان هم کم نبود، حتی یک خبر و روایت وجود ندارد که در زمان پیامبر یا امام علی و یا خلفا، زنی مؤاخذه و توبیخ شده باشد چه رسد به جرمه و مجازات.

در طول تاریخ ۱۴۰۰ سال گذشته نیز در همه حکومت ها چنین وضعیتی وجود داشت. حتی در دوره صفویه که حکومتی شیعی بود و علامه مجلسی پدر و پسر، قاضی القضات آن بودند، رقاچه های بی حجاب حکومتی وجود داشتند. حتی طبق گزارش های تاریخی، آنان در مراسم دولتی مانند پیشواز سفرای اروپایی برنامه اجرا می کردند(فیگوتروآ، ۲۳۸-۲۴۰). فارغ از اینکه در فقه سستی هم میان رقص لهوی و رقص غیر لهوی زن و مرد تمایز قایلند اما با وجود اینکه از نظر شرعی کار راقسان در ملامع را مردود می دانستند بر خورد و جرمه و مجازات نمی کردند با به گزارش شاهدان، کارگران جنسی با همین موقعیت شان که همه اطلاع داشتند در سوگاری های محرمی شرکت می کردند(فیگوتروآ، ۳۰۸-۳۰۹).

در طول پیش از سیصدوشصت سال حکومت صفویه و قاجاریه، غالباً فقها در کنار سلطان یا قاضی القضات و شیخ الاسلام بودند یا گاهی حکومت مأذون از آنها بود و در این حکومت ها وجود حرمسراها مشهورتر از انست که بتوان انکارش کرد.

با چنین پیشینه ای، سکنداران حکومت اگر قرار بر لجبازی دارند لا اقل جای محکم تری سنگر بگیرند. انها گویی دین تازه ای آورده آند که سابقه ای در قرآن و تاریخ و روایات ائمه و فقه سنتی هم ندارد. انکار چیزی را فهمیده آند که بن بزگوران نمی فهمیدند.

### پاره یازدهم بردن مردم به بهشت، اجباری است!

استدلال های مدافعان حجاب اجباری با سطح خردگرایی و عرف امروز تناسبی ندارد. هنگامی که تضاضا برای کالا یا هنجاری وجود نداشته باشد، ارزش و مطلوبیت ندارد و به انبار یا بازیافت سپرده می شود. در اصول فقه «عرف» یکی از منابع تشخیص است و بسیاری از امور به عرف ارجاع داده شده اند(نگاه کنید به: «هیبستگی اجتماعی در کشاکش عرف و قانون» و «حقوق بشر و اسلام:مذهب و نسب آن با حقوق انسان و عرف» در ویسایت نگارنده) هر چند دولت ها یا گروه هایی (مانند گروه های ضد خانواده طبیعی) می کوشند هنجارها را مهندسی کنند اما جامعه، دارای سازوکارهای درونی و خودجوش است(نک: فون هایک، قانون، قانونگذاری و آزادی، ج ۱ص ۶۷-۹۲) و این نوع هنجارها پایدار نمی مانند.

یکی از اشکال مهندسی کردن، دستکاری مفاهیم است. برای مثال چون عده ای می خواهند هر طور شده اجبار را توجیه کنند درباره این سخن مشهور که بسیار گفته شده است طبق آیه «لا اکراه فی الدین» در اصل دین اجبار نیست چه رسد به فروع دین. این مناقشه را مطرح می کنند که آزادی انتخاب مربوط به قبل از انتخاب دین است، نه پس از آن. یکی از بزرگان دریاسخ به استفتائی پیرامون حجاب اجباری می گوید: «آیه «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ مَرْبُوطَ بِهِ» اصل پذیرش دین است نه بعد از پذیرش دین و از جمله قوانین دین اسلام، حجاب است که معتقدین به دین اسلام باید آن را رعایت نمایند و در این امر آزاد نیستند».

این افراد بدون توجه به اینکه در امور عقیدتی و وجدانی، تا اقعان و پذیرش قلبی درکار نباشد «اجبار) پیشیزی ارزش ندارد و هیچکس را ملزم به رعایت نمی کند در مقام توجیه اجبارند. حتی بر فرض اینکه این مدعا درست باشد باز هم دچار تناقض می شوند زیرا در این تلقی، اجبار کردن، حداکتر درباره باورمندان یا این خواتش از دین موضوعیت دارند نه دیگران، در حالی که اجبار به حجاب از سوی حکومت، امری عمومی است. نمونه دیگر، اظهارات سید محمد قائم مقامی مدرس حوزه دریاسخ به سید عباس قائم مقامی است که حتی از بردن اجباری به بهشت و منع اجباری از رفتن به جهنم دفاع می کند. به گزارش شبکه اجتهاد، سید عباس قائم مقامی، در گفتگو با خبرآنلاین در مورد بحث حجاب گفته بود: «من به عنوان یک روحانی به شما می گویم که حجاب یک ضرورت شرعی است. ضرورت شرعی هم یک دعوت است یعنی می گوید تو اگر می خواهی دیندار باشی، لازمه ای دینداری رعایت این حدود است. در اصل دینداری اجبار نیست، چطور در فرعش می تواند اجبار باشد؟ این تناقض را کجا باید برد؟»

پیرو این بحث، سید محمد قائم مقامی در گفتگو با خبرگزاری مهر پاسخ داد: این سخن به غایت سست و بی پایه است زیرا اساسا حوزه عدم اکراه در دین همان حوزه اصل دین است که به دلیل قلبی و اعتقادی بودن آن، امکان اجبار و اکراه در آن وجود ندارد و اگر به فرض چنین امکانی نیز وجود داشت به دلیل مغایرت آن با اصل اختیار و آزادی انسان در انتخاب میان بهشت یا دوزخ برای خود، قابل اکراه و اجبار نبود اما در حوزه فروع دین

## اتاق فکر تحلیلگران راهبردی

استحسان معکوس است. واقعیت این است که مسئله حجاب، دهها سال است در این کشور وجود دارد ولی در این شرایط و پس از تجربه ۴۴ساله و تغییرات و رشد اجتماعی حاصل شده، بازگشت به ادله حجاب اجباری درخور تأمل است و مدافعان آن هیچ دلیل فره تری از چهل سال پیش نمی آورند و ما برای حل مسئله باید سراغ سه منبع «نص» ، «عقل» و «حق» و یا حقوق بشر برویم. جای تاسف است که قلم ها به جای پرداختن به مسائل اصولی تر باید در راه دفاع از ابتدایی ترین حقوق فرسوده شوند. این یادداشت ها در طول چند سال ذره ذره و در واکنش به مواضع و نظراتی که برخی افراد، مسئولان و روحانیون درباره دفاع از حجاب اجباری مطرح می کردند در فیش های متعددی نوشته ولی منتشر نشد. با ظهور جنبش مهسا و پروژ نشانه های اولیه از مسئولان که در برابر موج سنگین جنبش، نگران شده بودند و مکرر می گفتند با اعتراض موافقم اما با اغتشاش و خشونت مخالفیم و با می گفتند گشت ارشاد روش درستی نبوده و با اظهار می کردند که فرصت بدهید تا اصلاحاتی انجام بدهیم و....امیدوار بودم این نوشته ها برای همیشه به بایگانی سپرده شده و هیچ وقت نیازی به انتشارشان نیفتد اما بعد از فروکش کردن جنبش مهسا و درست زمانی که انتظار می رفت شاهد تغییری در رفتار حکومت باشیم بر خلاف انتظار و بر خلاف وعده‌های داده شده ناگهان برخوردهای تندتر، سخت تر و پیچیده تری با موضوع بی حجابی و برداشتن روسری انجام شد که باعث افسردگی و خشم جامعه می شد و مناسفانه نوشته هایی که تصور می رفت دیگر به بایگانی سپرده شود بیش از گذشته برای انتشار موضوعیت پیدا کرد اما به دلیل بلند بودن آن که امکان انتشار روزنامه ها بخاطر صفات محدودشان نبود و اینکه شاید به صلاح روزنامه نباشد لذا به صورت سلسله گفتارهایی در ۱۵ قسمت از تاریخ سه شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۲ تا پایان اردیبهشت، در کانال تلگرام و اینستاگرام و فیسبوک نگارنده منتشر شدند. البته چند عبارت آن هم به صورت توییت و پست های کوتاه پیش از آن منتشر شده بود.د. اکنون تجصیع شده همه آنها یک جا تقدیم خوانندگان محترم می شود.

که همان حوزه اعمال و رفتار انسان است به ویژه در مورد اعمال اجتماعی و سیاسی او، مطلب کاملاً متفاوت و قیاس «آزادی انسان در مورد دوزخ رفتن شخص خود» با «آزادی او در مورد دوزخ بردن دیگران»، قیاسی است غیر دینی، غیر عقلایی و کاملاً نامربوط و اصلی ترین وظیفه حاکم مسلمان که به نص قرآن کریم اقامه معروف و هدم منکر است، همین مانع شدن از به دوزخ بردن دیگران است. از آنجا که بی حجابی و خودنمائی جنسی زنانه برای عموم از مصادیق قطعی منکر و به دوزخ بردن دیگران است بنابراین حکومت اسلامی می تواند و باید بر کنار از سوسه عدم کارآمدی این قانون در مقام اجرا، از راه الزام و اجبار قانونی از آن ممانعت به عمل آورد». از آنجا که استدلال نگارنده در فرزاهای پیشین این بود که وقتی اصل دین اجباری نیست، فروع دین هم نمی تواند اجباری باشد لذا ناگزیر از منطق خویش دفاع می کنم.

اظهارات ذکر شده سرشار از مغالطه بوده و آیات و روایات را از منظر جامعه شناسی و شناخت جامعه زمان پیامبر که بررسی کنیم این مدعا با نص قران و واقعیت های زمان پیامبر در تعارض است.

در اظهارات قائم مقامی، مبنای بحث عوض شده و دلیل الزام این است که حکومت می تواند مانع از به جهنم بردن دیگران شود.

۱-با این توجیه آمندند ابرویش را درست کنند چشمش را هم کور کردند و این پیام را ارسال می کنند که اگر آزادی انتخاب می خواهید اصلا به طرف دین نیایید برای اینکه با پذیرش دین وارد یک زندان اجباری و غیر قابل خروج شده اید.

۲- این سخن دقیقاً همانند استدلال داعش است و با منطقی که در بالا ذکر شد تمام اعمال داعش هم موجه می شود زیرا چنین اجباری دیگر حدیقف ندارد. وقتی حجاب مشمول این قاعده شود بسیاری از مسائل دیگر مانند نماز و حتی مدل موی سر و صدها موضوع دیگر را هم می شود محکوم به این قاعده کرد و این یعنی خفتنای هواناک و البته ناممکن در روزگار ما.

هنگامی که مرجع تشخیص بردن به بهشت، حکومت و قدرت باشد در فرا چیزی که مغایر با منافع حکومت است مصداق آن می شود.

۳- مقدمات بحث باطل است، چگونه ادعا شده اختیاری بودن روسری باعث بردن مردم به جهنم است؟ این سخن، اهانت به شهروندان است و گویی همه مردم افرادی هوسراند و قادر به خویشنداری نیستند و باید گروهی با غل و زنجیر انها را کنترل کنند. تناقض دیگرش این است که خود کنترل کننده ها هم در مظان این اتهام خواهند بود.

۴- مطالعات تجربی، خلاف ادعای فوق را نشان می دهد. در تجربه خود جمهوری اسلامی نرخ جرایم جنسی (با احتساب نسبت آن به جمعیت) قبل از انقلاب بیشتر بود یا بعد از آن که حجاب اجباری وجود داشت؟ ۵- نه تنها مقدمات ادعا، باطل است که نتیجه آن هم باطل است. بر فرض که حکومت می تواند بنا به صلاح حدید خود اجبار کند، حکومت مگر کیست جز نماینده مردم؟ در واقع این بحث ها نشان می دهد در اصل نظریه حکومت و مبنای آن با این اشخاص اختلاف داریم. از نظر ما به تأسی از فلاسفه اجتماعی، حقوقدانان و عمده فقیهان، حکومت چیزی جز قرار داد نیست اما از نظر این گروه، حکومت نصبی است. اینها باید بگویند قبل از اینکه به دنیا بیایند از کجا چنین حقی داشته اند؟ هر یک از اینها ممکن بود در چنین سقط شود یا به جای حاکم، محکوم یا مجرم می شد و...

همه افراد همان آدم های عادی هستند که به قول ماکیاو للی به پخت یا هنر، به مناصبی رسیده اند(ماکیاویلی، ۲۲) - و چون در نظام های آزاد دمورکراتیک، احتمال اینکه افراد بر حسب شایستگی به مناصبی دست یابند بیشتر است در جوامعی مانند ایران غالباً بر حسب تصادف و به ندرت بخاطر شایستگی بوده است.

۶- این اظهار نظرها نشان می دهد هنوز کسانی هستند که از منسوخ شده ترین نظریات حکومت، دفاع می کنند.

اگر مردمی ازادانه حکومت را انتخاب کردند و این حکومت با نمایندگی مستقیم و غیراستصوابی، قانونی برای حجاب اجباری مقرر کرد تازه بحث شروع می شود که آیا چنین حکومتی که وضع اجبار از طرف ان مشروعیت دارد می تواند هر قانونی را برخلاف عقل و نص و حق، وضع کند؟ مثلاً اگر طالبان در افغانستان اکثریت آراه را به دست آورد مجاز است به استناد آن هر قانونی تصویب کند؟

۷- حکومت های مدرن هم الزام دارند اما مبنایش حقوق، فلسفه قانون و اصول پیشینی است نه بهشت و جهنم انهم به تشخیص حکومت.

۸- نتیجه نظریه مزبور، تأیید سخن معاویه است که در توجیه حکومت خودسرانه می گفت: «الْأَرْضُ لِلرَّوِّ أُمَّا خَلِيفَةُ اللَّهِ» یا «المال مال الله و انا خلیفه الله» .

۹- خود این سخن که اجبار در اصل دین است نه فروع، نیز مغالطه است زیرا در قسمت پیشین موارد نه گانه ای که از حجاب مستثنی شده اند را ذکر کردیم. همچنین در قران حتی درباره مومنان و پس از پذیرش دین هم چنین اجباری وجود ندارد. این ادعا بر خاسته از دین جدیدی است که عده ای در جمهوری اسلامی اختراع



